

آشنایی با کتاب «راحة الصدور» و نجم الدین راوندی

کاظم طیبی فرد

اشاره

کتاب «راحة الصدور» کتابی در تاریخ سلجوقیان است که با توجه به نزدیکی مصنف آن به دربار سلاجقه و شمول پرداخت تاریخی آن به سلسله سلجوقیان، از منابع مهم بررسی تاریخ سلجوقیان ایران و روم به شمار می‌رود.

در جستار زیر به بررسی کلیات این کتاب پرداخته، با تلاش برای آشنایی با پدیدآورنده این کتاب، سعی شده با عنایت به تحقیقات و تألیفات انجام شده در این زمینه، به میزان وثاقت و اعتبار تاریخی و ادبی این کتاب دست یابیم.

نجم الدین ابوبکر محمد بن علی بن سلیمان راوندی، دانشمند، ادیب، خوشنویس و تذهیبگر قرن شش و اوایل قرن هفت هجری است که سال ولادت او بنا بر قرائن، باید میان سال‌های ۵۵۰ تا ۵۵۵ ق^۱ در راوند از قریه‌های کاشان^۲ باشد. دو کتاب راحة الصدور و آية السرور و فضایح و قبایح روافض^۳ از آثار او هستند که کتاب اول، با نام کامل اعلام الملوک مسمی بر آية الصدور و آية السرور،^۴ مهم‌ترین اثر راوندی به شمار می‌رود و او بیشتر به تألیف این اثر شناخته می‌شود.

خاندان راوندی به حسن خط و آشنایی با انواع هنرها از جمله خوشنویسی، تذهیب، تجلید و انس با ادب عربی و پارسی معروف بوده‌اند.^۵ راوندی در نوجوانی و در حدود سال ۵۷۰ پدر خویش را از دست داد^۶ و بعد از آن بر اثر قحطی اصفهان^۷ به همدان که آن زمان پایتخت سلاجقه عراق عجم بود، کوچ کرد. بعد از آن او حدود ده سال نزد دایی خود، تاج الدین ابوالفضل، احمد بن محمد بن علی راوندی که از فقها و دانشمندان و مدرسان مدارس عراق عجم بود، به شاگردی پرداخت^۸ و نزد او علوم دینی، از جمله حدیث، تفسیر و هنر خوشنویسی را

آموخت؛ به گونه‌ای که بنا بر قول خودش، او به نگارش هفتاد نوع خط آشنا بوده و در خط به شاگردی او افتخار می‌شده است.^۹ نجم الدین تسیخ و تذهیب را پیشه خود ساخت.^{۱۰} وی کتب مختلف علمی را نزد علما می‌خواند و اجازه روایت می‌گرفت و با استنساخ آن، زندگی می‌گذراند.^{۱۱}

شیخ فخرالدین بلخی، خواجه صفی الدین اصفهانی و بهاء الدین یزدی، دیگر استادان راوندی در همدان بودند.^{۱۲} دایی دیگر او زین الدین مجدالاسلام محمود بن محمد بن علی راوندی، هنرمند، ادیب و استاد خط و شعر فارسی و تازی است که مدرس مدرسه طغریه همدان بوده و کتاب شرف النبی و معجزاته خرگوشی را به فارسی ترجمه نموده است. زین الدین

۱. نجم الدین راوندی؛ راحة الصدور و آية السرور؛ تصحیح محمد اقبال، به سعی مجتبی مینوی و مقدمه بدیع الزمان فروزانفر؛ تهران: علمی، مرداد ۱۳۳۳، مقدمه فروزانفر، ص ۱.
۲. یاقوت حموی؛ معجم البلدان؛ به کوشش فردیناند و وستفالد؛ ج ۲، لایپزیک، [بی‌تا]، ۱۸۶۷، ص ۷۴۱.
۳. پرویز ازکائی؛ تاریخ نگاران ایران؛ بخش اول، تهران: بنیاد موقوفات افشار، ۱۳۷۳، ص ۲۷۰.
۴. ذبیح الله صفا؛ تاریخ ادبیات در ایران؛ ج ۲، ج ۴، تهران: فردوس، ۱۳۷۸، ص ۱۰۰۸.
۵. راوندی؛ همان.
۶. ازکائی؛ همان، ص ۲۶۷.
۷. محمدتقی بهار؛ سبک‌شناسی؛ ج ۲، ج ۳، تهران: کتاب‌های پرستو، ۱۳۴۹ ش، ص ۴۰۵.
۸. راوندی؛ همان، ص ۴۰.
۹. ازکائی؛ همان، ص ۲۶۸.
۱۰. راوندی؛ همان، ص ۴۱.
۱۱. صفا؛ همان، ص ۱۰۰۹.
۱۲. ازکائی؛ همان، ص ۲۶۸.

سلجوقیان از رکن الدین ابوطالب طغرل بیک محمد بن میکائیل بن سلجوق - با اشاره به احوال سلجوقیان در مقابله با محمود غزنوی و علل خروجهشان بر مسعود - تا پایان سلطنت طغرل بن ارسلان می پردازد و در پایان، سیمای جامعه عراق را در زمان خوارزمشاهیان تصویر می نماید؛ به علاوه این کتاب شامل یک ویژگی بارز است و آن اینکه از اتابکان عراق و آذربایجان نیز سخن به میان آمده است^{۲۵} که به اهمیت مذاقه در این کتاب افزوده است. آخر کتاب هم شامل پاره ای فصول ضمیمه در موضوعات مختلف است که از موضوع کتاب دور است و بی مناسبت به نظر می رسد؛ چنان که راوندی فصل هایی در آداب منادمت، شطرنج، شراب، مسابقه، تیراندازی، شکار و فصلی با عنوان «فی معرفة اصول الخط من الدائرة والنقط» و فصلی دیگر با نام «فی الغالب و مغلوب» بی هیچ ربطی، به کتاب اضافه کرده است.

اگرچه متن این کتاب از متون فاخر شمرده شده است و از آن با عنوان یکی از شاهکارهای نشر فارسی نام برده اند،^{۲۶} اما راوندی از اشعار و امثال فارسی و عربی، احادیث، کلمات قصار و مواعظ حکما و برخی از قصاید خود در مدح کیخسرو و در بسیاری جاها بدون مناسبت استفاده کرده است؛ چنان که این اطلاع کلام در پند و اندرز، رشته حکایت تاریخی را قطع می کنند. به نظر می رسد دلیل این تکلف در نشر کتاب،

۱۳. راوندی؛ همان، ص ۲.

۱۴. همان، ص ۳.

۱۵. اذکائی؛ همان، ص ۲۷۰.

۱۶. همان، ص ۲۶۸.

۱۷. راوندی؛ همان، ص ۳.

۱۸. اذکائی؛ همان، ص ۲۶۸.

۱۹. راوندی؛ مقدمه فروزانفر، ص ۳.

۲۰. همان.

۲۱. راوندی؛ همان، ص ۴۶۱.

۲۲. اذکائی؛ همان، ص ۲۶۹.

۲۳. همان.

۲۴. راوندی حنفی مذهب بوده است و با دیگر فرق به خصوص شیعیان بسیار کینه توزانه برخورد می کرده است. چنان که در جای جای کتاب راحة الصدور و به خصوص کتاب فضایح و قبايح روافض مشهود است، از آنها جز باللعن و نفرین یاد نمی کند؛ با وجود این و اینکه کتاب راحة الصدور درباره سلجوقیان که حنفی مذهب بوده اند، نوشته شده است، عجیب است که آقابزرگ طهرانی در الذریعه از این کتاب نام برده است (درباره مذهب راوندی نک به: راحة الصدور؛ مقدمه فروزانفر، ص ۴).

۲۵. ذبیح الله صفا؛ گنج و گنجینه؛ ج ۶، تهران: ققنوس، [بی تا].

۲۶. بهار؛ همان، ج ۲، ص ۴۰۶.

به سبب قرابت و رابطه مذهبی، به دربار طغرل بن ارسلان سلجوقی (حک ۵۷۱-۵۹۰) راه داشت و از سال ۵۷۷ ق به طغرل خوشنویسی می آموخت.

هنگامی که طغرل عزم کرد قرآنی سی پاره با خط و تذهیب گرد آورد، نجم الدین نیز با وساطت همین دایی خود در آرایش آن مشارکت کرد^{۱۳} و بدین سبب وارد دربار سلجوقیان شد.

در آموختن ادبیات، مهم ترین استاد راوندی، شمس الدین احمد بن منوچهر شصت کلمه بوده است که در حدود سال ۵۸۰ ق راوندی نزد او دانش آموخت و همو برنامه ای برای راوندی تدوین کرد تا قوه شاعری را در او تقویت کند که همین سبب شد راوندی با تسلط بر اشعار فارسی و عربی، اشعار بسیاری را در تدوین کتاب خود به کار ببرد.

راوندی تا سال ۵۹۰ ق به همین سیاق در خدمت طغرل بن ارسلان بود، اما بعد از کشته شدن طغرل در جنگ ری به دست تکش خوارزمشاه، به راوند رفت و عزلت گزید و به تکمیل هنر و تحصیل فقه و علم شریعت و مطالعه اشعار عرب و عجم ممارست نمود.^{۱۴} او در همین ایام کتاب فضایح و قبايح روافض را در مذمت شیعیان راوند به نگارش درآورد،^{۱۵} سپس به همدان بازگشت و طی پنج یا شش سالی که در خاندان علویان همدان، خاندانی که ریاست شهر در میان ایشان موروثی بود، تعلیم خط می داد، به فکر نوشتن کتاب راحة الصدور افتاد^{۱۶} تا در سال ۵۹۹ ق تألیف این کتاب را آغاز کرد و در سال ۶۰۳ ق، سال فتح انطاکیه به دست سلجوقیان، آن را به پایان برد.^{۱۷} از آنجایی که راوندی در تمام عمر در پی وزارت و به دست آوردن صله بود^{۱۸}. این کتاب را به غیاث الدین کیخسرو بن قلیج ارسلان سلجوقی (۵۸۸-۵۹۲ و ۶۰۱-۶۰۷) تقدیم کرد.^{۱۹} راوندی از طریق دوست خود، جمال الدین ابوبکر ابوالعلام رومی که به قصد تجارت به همدان رفته بود،^{۲۰} با تحمل مشقت سفر، به دربار کیخسرو راه یافت^{۲۱} و پس از آنکه طی یکسال کتاب را بازنویسی کرد،^{۲۲} در سال ۶۰۴ ق کتاب را به سلطان تقدیم نمود و حدود پنج سال بعد در دیار روم و احتمالاً شهر قونیه درگذشت.^{۲۳}

موضوع کتاب راحة الصدور تاریخ سلاجقه عراق عجم است و شامل دیباچه ای مشتمل بر حمد خدا، نعت رسول و ستایش خلفا و همچنین ابوحنیفه کوفی - که راوندی پیرو مذهب او بوده است^{۲۴} - مدح شافعی و سپس کیخسرو است. راوندی در ادامه این بخش ها احوال خود و خاندانش و سبب تألیف کتاب را ذکر می کند و بعد از این مقدمات طولانی، به تاریخ سلطنت

است، ولی صریحاً به اختصار آن اعتراف ننموده است^{۳۵} که این نشان می‌دهد او از وجود این کتاب آگاه بوده است و سلجوقنامه در زمان تألیف راحة الصدور به صورت کتابی مستقل در دسترس راوندی بوده است. این موضوع این تردید را پدید می‌آورد که راوندی احتمالاً قصد جعل کتابی جدید و انتحال نداشته است، بلکه با اقتباس از سلجوقنامه خواسته است کتابی با طبع ادبی خود که کامل‌کننده سلجوقنامه در تاریخ سلجوقیان باشد، تهیه کند.

از طرف دیگر با قبول اینکه راحة الصدور کتابی مجعول و به عبارت صحیح‌تر منتحل از کتاب سلجوقنامه است، می‌توان به دلیل ضعف برخی از بخش‌های متن کتاب، در مقابل قدرت بخش‌های دیگر کتاب پی‌برد؛ زیرا در راحة الصدور بخش‌های گرفته شده از سلجوقنامه دارای فخامتی ادبی است و بخش‌های

۲۷. عبدالحسین زرین کوب؛ از گذشته ادبی ایران: تهران: الهدی، ۱۳۷۵، ص ۱۲۶.

۲۸. عظاملک جوینی؛ تاریخ جهانگشای جوینی؛ تصحیح محمد قزوینی؛ ج ۱، لیدن: بریل، ۱۹۱۱ م، ص ۱۶ از مقدمه مصحح.

۲۹. عبدالحسین زرین کوب؛ نقد و بررسی در باب مآخذ تاریخ ایران بعد از اسلام؛ تهران: کتابخانه مرکزی اتحادیه ایرانشناسی، بهمن ۱۳۴۶، ص ۱۶.

۳۰. یعثوب آژند؛ (تألیف و ترجمه)؛ تاریخ‌نگاری در ایران؛ مجموعه مقالات، تهران: گستره، ۱۳۶۰، ص ۵۰.

محمد قزوینی همچنین در بیست مقاله همین عقیده را دارد و معتقد است: این کتاب به همراه سلجوقنامه مآخذ تاریخ‌های دیگر مثل جامع التواریخ، تاریخ‌گزیده، حیب‌السیر، زبده التاریخ و روضة الصفاد در تاریخ سلجوقیان بوده است.

۳۱. میرزا اسماعیل خان افشار؛ «سلجوقنامه ظهیری نیشابوری و راحة الصدور راوندی»؛ مجله مهر، ش ۱، سال دوم، ۱۳۱۳، ص ۲۹-۳۰. انتحال به معنای چیز کسی را جهت خود دعوی کردن و شعر یا سخن دیگری را به خود بستن است؛ بدون تغییر و تصرف و یا با اندک تصرف؛ مانند اینکه بیتی میان آن بیاورند یا تلخیص آن را عوض کنند (لغت‌نامه دهخدا، ذیل «انتحال».)

۳۲. یان ریپکا؛ ادبیات ایران در زمان سلجوقیان و مغولان؛ ترجمه یعقوب آژند؛ تهران: گستره، ۱۳۶۴، ص ۱۴۴.

۳۳. عبدالحسین نوایی؛ متون تاریخی به زبان فارسی؛ ج ۴، تهران: سمت، زمستان ۱۳۸۴، ص ۵۱.

۳۴. مانند:

The Encyclopedia of the Encyclopaedia of Islam, New Edition, Leiden, Brill, 1995 T P 460.

۳۵. راوندی؛ همان، ص ۶۴.

ویژگی‌های نثرنویسی دوران مؤلف بوده باشد؛ چه اینکه در دوره سلجوقیان و پس از آن، نثرنویسان با تأثیرپذیری از آراستگی سبک عراقی که بر اثر تفوق جوینی دانش‌آموختگان مدارس در مقابل سادگی سبک خراسانی به وجود آمده بود، دست به صنعت پردازی ادیبانه می‌زدند؛ لذا راوندی نیز به همین منوال در نثر راحة الصدور، با وجود آنکه موضوعی تاریخی دارد، متکلفانه و مصنوع سخن گفته است.^{۲۷}

همین تطاول و اضافات بی‌مناسبت سبب شده است با وجود اینکه راوندی مؤکداً خواسته است کتاب خلاصه نشود، این کتاب دو بار به صورت شایسته‌ای با حذف اضافات، به اختصار درآمده است: بار اول در رساله‌ای با نام «رساله در تاریخ سلجوقیه» که اختصارکننده و تاریخ اختصار آن معلوم نیست. این خلاصه کتاب در پایان تاریخ جهانگشای جوینی، به تصحیح محمد قزوینی به چاپ رسیده است و بار دوم نیز به صورت کتاب العراضة فی الحکایة السلجوقیه توسط محمد بن محمد بن عبدالله بن النظام الحسینی یزدی (متوفای ۷۴۳ ق) وزیر سلطان ابوسعید بهادرخان، آخرین پادشاه مغول ایران در زمان سلطان مراد ثانی، پادشاه معروف عثمانی کتاب راحة الصدور به زبان ترکی ترجمه شد که نسخه‌هایی از آن در لیدن و موزه آسیایی لنینگراد موجود است.^{۲۹} این کتاب برای اولین بار توسط محمد اقبال پیشاوری معلم مدرسه شرق لندن تصحیح شد و همراه با مقدمه عالمانه‌ای از او به زبان انگلیسی، با تلاش و اضافات مجتبی مینوی شامل حواشی، فهارس و توضیحات بسیار مفید، در سال ۱۳۳۳ در تهران به چاپ رسید.

در حالی که کلود کاهن، استاد تاریخ شرق و سرزمین‌های اسلامی دانشگاه پاریس، کتاب راوندی و سلجوقنامه ظهیرالدین نیشابوری (م ۵۹۹ ق) را مستقیم یا غیرمستقیم تنها منبع ضروری برای نویسندگان تاریخ سلاجقه^{۳۰} - که تاریخ سلجوقیان و تا حدی سلاجقه آسیای صغیر را بیان می‌کنند - می‌داند، اما میرزا اسماعیل خان افشار حمیدالملک در سال ۱۳۱۳ با سلسله مقالاتی این نظریه را که این کتاب تنها یک انتحال بوده^{۳۱} و راوندی جز یک منتحل نبوده است را مطرح ساخت؛ همچنان که یان ریپکا^{۳۲} و عبدالحسین نوایی^{۳۳} نیز بر همین عقیده بوده‌اند و برخی دیگر نیز بدون تصریح به انتحال، فقط به تأثیرپذیری و وامداری از سلجوقنامه اذعان دارند.^{۳۴} خود راوندی نیز در راحة الصدور به سلجوقنامه اشاره کرده

اضافه شده توسط راوندی به دلیل ضعیف بودن، با آنها همخوانی ندارد. ۳۶ از سوی دیگری مناسب بودن امثال نیز بر عدم تبحر راوندی صحه می‌گذارد؛ مضاف بر اینکه اشتباهاتی در ذکر سال وقایع نیز در متن راوندی دیده می‌شود. ۳۷

باتوجه به این نکات، می‌توان به این نتیجه رسید که کتاب *راحة الصدور* به لحاظ برخی ویژگی‌ها، از جمله ادامه یافتن بعد از مرگ *ظهیرالدین نیشابوری* و ثبت وقایع دوره طغرل سوم^{۳۸} و *سلاجقه آسیای صغیر* اهمیت می‌یابد و به دلیل کمبود منابع این دوره و فخامت کلی متن، به عنوان یکی از منابع تاریخی دوره سلجوقیان در تحقیقات جدید مورد استفاده قرار گرفته است و از همین روست که در میان آثار قدما تا زمان متأخر و تا شروع تحقیقات جدید، نامی از راوندی و کتابش نمی‌توان یافت و منبع تمام تألیفات قدیمی درباره دوره سلجوقیان به دیگر کتب تاریخی این دوره به خصوص *سلجوقنامه* باز می‌گردد. این نظر از آنجا نشأت گرفته است که برای اولین بار *خاورشناسی* به نام شارل شفر، در یکی از مجلدات منتخبات فارسی خود، در تاریخ آل سلجوق از کتاب *راحة الصدور* نام برد و قبل از آن مطلقاً نامی از این کتاب نبوده است، ۳۹ و بعد از آن و طی تحقیقات معاصر، مورد توجه قرار گرفته است؛ بنابراین اشتباه اصیل دانستن کتاب *راحة الصدور* در طی تحقیقات معاصر و جدید صورت گرفته است و چنان که آمد، منبع این اشتباه نیز در همین دوران بوده است؛ به هر روی کتاب دارای اطلاعاتی کامل تر از «*سلجوقنامه*» است؛ برای مثال *راحة الصدور* اطلاعات مفیدی از دوران حکومت‌های زودگذر ممالیک در همدان به دست می‌دهد^{۴۰} که به آن، به عنوان یک مکمل برای منابع دوره سلجوقی و به خصوص *سلجوقنامه*، اهمیت ویژه‌ای می‌دهد.

اما صرف نظر از حواشی تاریخی درباره پیدایی و پدیدآور کتاب *راحة الصدور*، می‌توان ویژگی‌ها و مختصات در توصیف این کتاب برشمرد: اول اینکه راوندی پس از ذکر نام و القاب هر پادشاه، ابتدا به توصیف شمایل و سیمای آن پادشاه از نظر ظاهری پرداخته و بعضاً مدت عمر و سلطنت او را نیز ذکر می‌کند. او قبل از پرداختن به وقایع سلطنت هر پادشاه به توصیف اخلاق و افعال و احصاء وزرا و حجاب او می‌پردازد. ۴۱

از لحاظ تاریخ ادبیات نیز این کتاب اطلاعات ذی‌قیمتی به دست می‌دهد؛ زیرا در میان اشعار فراوانی که به خصوص از فردوسی در میان داستان‌ها ذکر شده است، اشعاری از بعضی

شعرا قرن ششم مانند *علاءالدوله عربشاه* و فرزندانش، *عبادی*، *عمالی*، *انوری*، *سیدحسن غزنوی*، *مجید بیلقانی* و *ایثار اخصیتکتی* بیان می‌کند که یا دیوان آنها از بین رفته و یا اطلاعات زیادی از آنها در دست نیست؛ ۴۲ افزون بر اینکه احادیث، امثال و اشعار عربی به شکلی شایسته، مطلوب، موجز و شیوا به فارسی برگردانده شده‌اند. ۴۳

ملک الشعرا بهار، *نثر راحة الصدور* را از بهترین نثرهای کتب فارسی و در شیوه نثر فنی کلیده و دمنه می‌داند که نثر آن از کلیده و دمنه ساده‌تر و مشکلات تازی در آن کمتر دیده می‌شود و موازنه و قرینه‌سازی، مگر در موارد خاص به ندرت در آن به کار رفته است. در انتخاب اشعار و آیات بسیار دقت شده و راوندی قصاید کاملی را از شعرا هم عصر خود ذکر کرده است. در هر فصل نیز ترجیح بند و شرحی به نثر و یک قصیده در ادامه آن وجود دارد تا مؤلف به این وسیله کتاب را چه در نثر و چه در نظم، با ذکر ممدوح خود موشح^{۴۴} سازد.

راوندی افعال قدیمی را بیشتر از کتب معاصرانش گرفته است و از فعل‌های وصفی نیز بسیار استفاده کرده است؛ همچنین افعال را در جمله‌های متقاطع حذف و بنیاد کتاب را به سلیس بودن و روانی استوار نموده است. به طور کلی با توجه به این ویژگی‌های زبانی، *راحة الصدور* را می‌توان نمونه‌کاملی از نثر قرن ششم به شمار آورد. ۴۵

۳۶. نوایی؛ همان.

۳۷. مجتبی مینوی در حواشی *عالمانه‌ای* که بر *راحة الصدور*، چاپ تهران (۱۳۳۲) نوشته است، در چندجا این اشتباهات را نشان داده است.

۳۸. راوندی؛ همان، مقدمه فروزانفر، ص ۵.

۳۹. افشار؛ همان.

۴۰. اذکاتی؛ ص ۲۷۰.

۴۱. راوندی؛ همان، مقدمه فروزانفر، ص ۴.

۴۲. همان، ص ۵.

۴۳. همان، ص ۶.

۴۴. بهار؛ همان، ص ۴۰۶. موشح لغت مفعولی است از توشیح که به معنای زینت داده شده و آراسته شده است. به فرمانی که پادشاه امضا کند نیز توشیح گویند و در شعر، صنعتی است که شاعر در اول ابیات یا در میانه، حروف یا کلماتی بیاورد که اگر آن حروف یا کلمات را عیناً یا به تصحیف جمع کنند، بیت، مثل، یا لقب کسی بیرون آید (لغت‌نامه دهخدا، ذیل «موشح»).

۴۵. بهار؛ همان، ص ۴۰۶-۴۰۷.